

## غزل شماره ۴۰۸

ای آفتاب آینه دار جمال تو

مشک سیاه مجمره کردان خال تو

صحن سرای دیده بشستم ولی چه سود  
کاین گوشه نیست درخور خیل خیال تو

در اوج ناز و نعمتی ای پادشاه حسن

یارب مباد تا به قیامت زوال تو

مطبو عتر ز نقش تو صورت نبست باز  
ظفرانویس ابروی مشکین مثال تو

در چین زلفش ای دل مسکین چگونه ای  
کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو

برخاست بوی گل ز در آشتی در آی  
ای نوبهار مارخ فرخنده فال تو

تا آسمان ز حلقه به کوشان ماشود  
کو عثوه ای ز ابروی همچون هلال تو

تأییش بخت بازروم تهنیت کنان  
کو مرده ای ز مقدم عید وصال تو

این نقطه سیاه که آمد مدار نور  
عکسیت در حدیقه پیش ز خال تو

در پیش شاه عرض که امین بجا کنم  
شرح نیازمندی خود یا ملال تو

حافظ در این کند سر سرکشان بسیت  
سودای کج میز که نباشد مجال تو

## تفسیر فال

از زمانی که به این جهان قدم گذاشته‌اید تا پایان عمر خویش، هیچگاه روی زشتی را نخواهید دید. زیبایی چهره و طینت شما نه تنها در دل‌ها جا دارد بلکه ورد زبان‌ها نیز شده است. پس چرا در سایه غم و اندوه قرار گرفته‌اید و اینگونه آشفته حال به نظر می‌رسید؟ دست از قهر و کینه بردارید، زیرا نشانه‌هایی از آینده‌ای روشن و پر امید در زندگی شما مشهود است. به پیشقدم شدن بیندیشید، چرا که مزده‌هایی برایتان وجود دارد که می‌تواند بر روحیه‌تان تأثیر مثبتی بگذارد. وظیفه وفا را نیز به خوبی انجام دهید تا بتوانید از نعمت‌های زندگی بهره‌مند شوید و روزهای خوشی را تجربه کنید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)